



رونمایی از یادداشت مقام معظم رهبری بر کتاب داستانی «تن تن وسندباد»

پایگاه حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای؛ در مراسم دومین یاسداشت هنر و ادبیات انقلاب اسلامی که صبح دوشنبه ۱۸ مرداد ۹۵ در مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی برگزار شد، از یادداشت حضرت آیت الله خامنه‌ای بر کتاب...

صفحه ۲

پنجشنبه ۲۱ مرداد ۱۳۹۵ - ۸ ذی القعدة ۱۴۳۷ - ۱۱ آگوست ۲۰۱۶

تیترا

محمدرضا خباز:

احمدی نژاد بازجویی شد

صفحه ۷

الیاس حضرتی مطرح کرد:

محدودیت رئیس دولت اصلاحات به کدام جرم؟

صفحه ۲

سنای برزیل به محاکمه «دیلمار روسف» رأی داد

بازگشت کودتا

صفحه ۸

همسفر شدن ورزشکاران ایرانی با داعشی ها

صفحه ۱۸

مردودی ۴۷ هزار کلاس اولی

صفحه ۱۷

در صفحات

مظفر بختیار

به روایت سید حسین نصر

صفحه آخر

حرف اول

تداوم مدیریت فرهنگی پنهان

محمدرضا اصلانی . فیلمساز

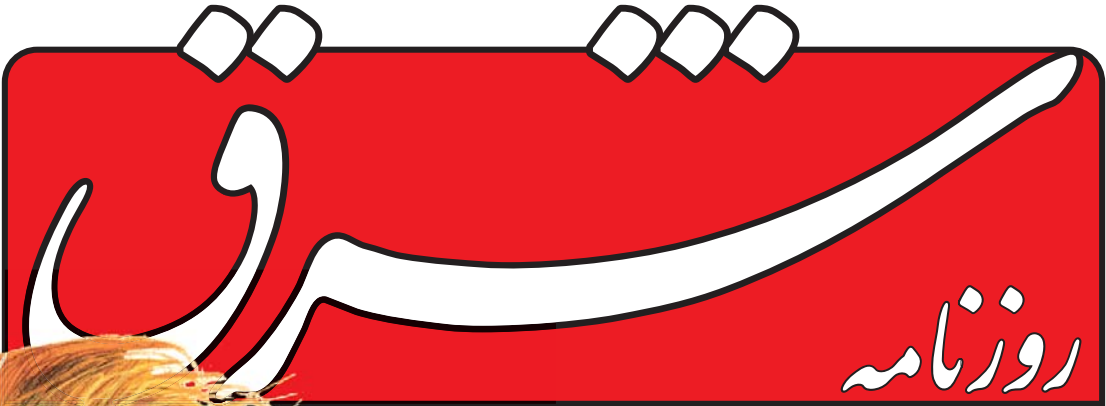


کتاب «نگاهی به دروازه‌غار» روان و دقیق است و یک تحقیق میدانی با نظریه معین و اهداف کاربردی دارد. این کار میدانی بیشتر در حوزه انسان‌شناسی شهری با جست‌وجوی بازنده‌سازی مدنی و یک نمونه درست کاربردی است، اما این کاربرد فقط در باب اصلاح امور یک محله نیست که البته این بوده و یافتن سنت‌ها یا آن چهره‌ها که نماد سنت‌هاست که این هم البته هست، اما این فقط یک رویکرد منجر به انسان‌شناسی هم نیست. در جایی از این کتاب به نظریه بالائری برمی‌خوریم که می‌خواهم در این باب سخنی داشته باشم.

اگر بخواهم از فضای، این کتاب بگویم، از فضا و رفتارها و توجهات، یک شب زمستانی می‌خواهد و یک پای کرسی، اما من می‌خواهم از یک جریان مدیریت فرهنگی سخن بگویم. مدیریت‌های فرهنگی جریان‌ساز الگوشونده‌ای در مقاطع مختلف تاریخ ایران داشتیم که هوشمندانه در بحران‌ها به‌خصوص فضای خلاق و زنده‌سازی را در حکم ناجی ساختند. درواقع این مدیریت فرهنگی یک سلسله‌انساب طولانی درخشان در ایران دارد. من به گذشته دور بازمی‌گردم؛ از مرگ سقراط تا امروز که به جریان‌سازی فرهنگی خواجه توس و شاکرد بلافضلیش، خواجه رشیدالدین فضل‌الله، اشاره می‌کنم و حتی جهانی که او ایجاد کرده بود، ساختن شهر آرمانی فارابی و از بعدی‌ها می‌گذرم؛ برای اینکه از این مقاطع خیلی وجود دارد و متأسفانه گمنام مانده و تاریخ‌نگاران ما از این اصل مدیریت فرهنگی غفلت کردند.

یکبار به دوران معاصر می‌آیم و فروغی را نام می‌برم و بازنگری او در حوزه زبان فلسفه و دانشگاه و خواست سیاسی و فرهنگی و پریدن به دهه ۷۰. البته غفلت تکنیم از مدیریت‌های فرهنگی در دهه ۴۰ که الگوهای مهمی هستند و در تداوم بودند. در دهه ۷۰ اگر چند نفری هستند، من می‌گویم که با حضور آقای مسجدجامعی در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، از معاونت فرهنگی تا وزارت، یک مدیریت فرهنگی پویا و فعالیت‌پذیری شکل گرفت که می‌شود آن را در سلسله‌انساب مدیریت فرهنگی در تاریخ ایران دید. مدیریت پذیرش آرا با استقرار نقاد خود، ایجاد حوزه رشد فلسفی فرهنگ نقد و مکالمه در این باب، باید گفت در سال‌های دهه ۷۰، یک گردش دیگر به بازاندیشی به خود در جامعه اندیشگی ما پدید آمد.

ادامه در صفحه ۴



جهانگیری: تفکر عده‌ای سازمان مدیریت را جوان مرگ کرد

گروه اقتصاد؛ اظهارات معاون اول رئیس‌جمهوری از محدودیت‌های بودجه‌ای دولت خبر می‌دهد. محدودیت‌هایی که حتی باعث شدند دولت در ماه‌های پایانی سال ۹۴، نفتی را که باید در بودجه ماه‌های ابتدایی ۹۵ صرف می‌شد، نیز پیش‌فروش...

صفحه ۵

سال سیزدهم - شماره ۲۶۵۳ - ۲۰ صفحه - ۱۰۰۰ تومان

سرمقاله

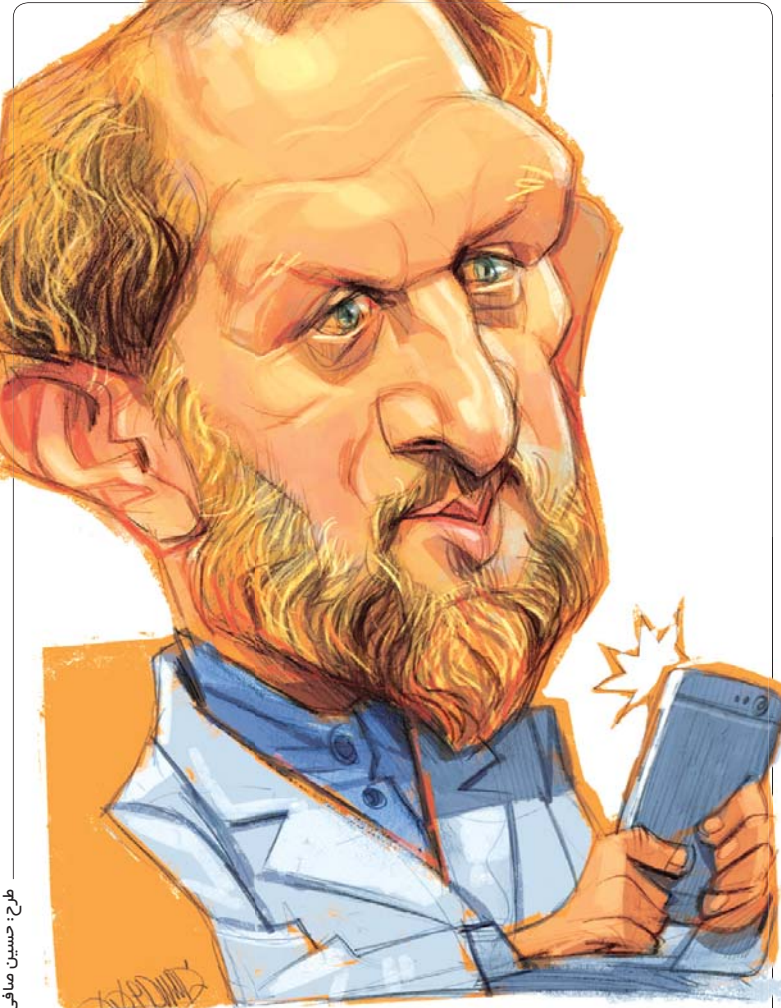
درسی برای ارزیابی آمادگی زلزله

مهدی زارع

استاد پژوهشگاه بین‌المللی زلزله‌شناسی



زلزله‌های دوگانه ورزقان در دهه پایانی مرداد ۱۳۹۱ (و در واپسین روزهای ماه مبارک رمضان) رخ داد. پهنه کانونی در منطقه‌ای بیشتر روستایی واقع بود و موجب بی‌خانمان شدن بیش از ۱۲ هزار خانواده شد. آنچه به عنوان مدیریت حادثه و تبعات زلزله ورزقان از سال ۱۳۹۱ به بعد رخ داده است، می‌تواند درسی برای ارزیابی وضعیت آمادگی و پاسخ به رخداد زلزله‌ای مشابه در ایران باشد. در روز ۲۱ مرداد ۹۱، دو زمین‌لرزه پی‌درپی، با بزرگای ۶.۴ و ۶.۳ اولی در ساعت ۱۶:۵۳ و دومی ۱۱ دقیقه بعد از آن در ۲۳ کیلومتری غرب اهر و شمال شرق تبریز رخ داد. تلفات جانی شامل ۳۰۶ کشته و سه‌هزار و ۳۷ مجروح بود و ۱۲۰ هزار نفر از جمعیت تحت تأثیر رخداد و خرابی در روستاهای پهنه رومرکزی در محدوده اهر و ورزقان و همچنین هریس قرار گرفتند. هراس مردم موجب استقرار در فضای باز در شهرهای مذکور و همچنین شهر تبریز شد. بیشترین تلفات انسانی از روستاهای باجه‌باج، گوردرد و دبنو و شهر ورزقان گزارش شد. پژوهشی که به وسیله گروهی به سرپرستی نگارنده در پهنه زلزله‌زدگان ورزقان و در شهر تبریز در سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۳ انجام شد، نشان داد زمین‌لرزه‌ای با شدت زلزله ورزقان (که کانون آن اغلب در یک منطقه کشاورزی و روستایی قرار گرفته بود)، موجب آشفته‌گی و نگرانی مردم ساکن اهر، ورزقان، تبریز و هریس شد. یکی از مسائلی که دست‌کم دو هفته بعد از زلزله ورزقان موجب آسیب روانی مداوم در منطقه بود، تداوم شایعات مبنی بر رخداد زلزله مهم‌تر بعدی در ساعات بعد بود که البته دروغ و بی‌پایه‌بودن آنها از همان زمان مشخص بود؛ ولی متأسفانه آسیب بد و منفی خود را در منطقه بر جای گذاشت. همین پژوهش نشان داد که چهار سال بعد از زلزله ورزقان، آثار تخریبی اقتصادی و اجتماعی بر شهرهای پیرامون منطقه زلزله‌زده مشهود است. مهاجرت از روستاهای منطقه زلزله‌زده به شهرهای بزرگ پیرامون برای یافتن فرصت‌های شغلی در بازید و بررسی میدانی مرداد ۱۳۹۴ نگارنده در روستاهای ورزقان مشهود بود. متأسفانه حتی تجربه چنین زلزله‌ای را براتقای سطح مهارت‌های فردی و گروهی شهروندان ساکن منطقه اثر مستقیم نگذاشت. ضمناً همین زلزله نشان داد که بسیاری از ساختمان‌های دولتی از جمله بیمارستان‌های هریس و اهر و فرمانداری ورزقان که همگی نوساز بوده و در حدود یک سال قبل از زلزله ۱۳۹۱ احداث یا تکمیل شده بودند، آسیب‌های جدی دیده و از خدمت‌رسانی خارج شدند. ضمناً ساختمان‌های مسکن مهر در حال احداث (به‌ویژه در هریس، در حدود ۳۰ کیلومتری کانون) آسیب‌هایی جدی دیدند. از اتفاق‌های مثبت بعد از زلزله ورزقان، مشارکت مثبت نیروهای امدادرسان مردمی، نظامی و انتظامی و همکاری و هماهنگی جمعیت‌های خیریه در کمک‌رسانی و همیاری برای بازسازی منطقه بود و البته مطالعات بازارش و با کیفیت بالایی که پژوهشگران ایرانی در این منطقه از دید زمین‌شناسی و روی گسل زمین‌لرزه‌ای و همچنین زلزله‌شناسی و با استفاده از داده‌های ثبت‌شده در منطقه انجام دادند و تصویر نسبتاً واضحی از وضعیت لرزه‌خیزی منطقه (به‌ویژه شهر تبریز) فراهم شد. تبریز شهری است که اکنون در روز حدود دو میلیون نفر در آن حاضرند و حدود ۴۰۰ هزار نفر از این جمعیت در پهنه و حریم گسل شمال تبریز زندگی می‌کنند.



طرح: حسین صافی

رامین‌ها از هم تبری می‌جویند

از منتقدان سرسخت اصلاحات و همین‌طور هاشمی‌رفسنجانی و دولت فعلی است. نگاهی گذرا به سایت شخصی او، عمق و اوج این خصومت را نشان می‌دهد. نمونه آن هم این شعر سروده خود رامین است: «گر جهان غرقاب جنگ و هر بلاست/ شام و بحریں و یمن، چون کربلاست، سرخوش از برجام و لطف کدخدا/ کی بفهمد، بعد از این، خود مبتلاست». در سایت شخصی رامین مطلبی به قلم او نوشته شده با عنوان «هاشمی...» به همراه تصویر هاشمی در کنار بنی‌صدر. او در مطلب دیگری سخنان سال گذشته هاشمی در مهرآباد در سالروز ورود امام به کشور را وقیحانه توصیف کرده و نوشته است: «اکبر هاشمی‌رفسنجانی یکی از عوارض انقلاب اسلامی است که تاکنون توانسته خلاف قانون اساسی، از تشکیل امت واحده جهانی و مدیریت امت اسلامی جلوگیری کند و نیروهای انقلابی را با انواع شگردها قربانی اغراض شخصی خود کند و با اتهامات واهی، نیروهای انقلاب را خنثی کند. هیچ‌کس نمی‌تواند به ابعاد پیچیده برنامه‌ها و انگیزه‌های این «جعبه سیاه» پی ببرد». تصویر آن را در فضای مجازی منتشر می‌کنند؛ اما این در حالی است که پسر این پدر با مهناز افشار، هنرپیشه سینما، ازدواج می‌کند و خطبه عقدشان را هم رئیس دولت اصلاحات می‌خواند، بعد هم تصویر آن را در فضای مجازی منتشر می‌کنند؛ اما ماجرای رامین کوچک فقط ازدواج عجیبش نبود. مهم‌تر از آن حواشی شغلی و تجاری او بود که البته با خبر ازدواجش دوباره به صدر اخبار آمد. تیرماه امسال در رسانه‌ها خبری منتشر شد، مبنی بر اینکه یاسین رامین، اسپانسر باشگاه استقلال نخواهد بود، اما مهم‌تر از این خبر شایعاتی است که درباره کسب‌وکار اقاراده در ماجرای واردات دارو و همکاری با سازمان هلال احمر دوران احمدی‌نژاد (که رئیس آن یکی از نزدیکان دولت بود) مطرح شده بود.

گروه سیاست، مهسا جزینی؛ عروس از پدر همسر اعلام برائت کرده و پدر از پسر. محمدعلی رامین، تئوریسین موبور و چشم‌آبی نفی هولوکاست در دولت احمدی‌نژاد که حالا پدرشوهر مهناز افشار، هنرپیشه سینما، هم شده است، به خبرگزاری فارس گفته: «هر انسانی در تعیین سرنوشت خویش مختار و مستقل است و هیچ پدری را به خاطر پسرش پاداش نمی‌دهند و هیچ پسری را به خاطر پدرش مجازات نمی‌کنند. چرا باید از منظر بعضی از رسانه‌ها، در یک خانواده، افراد مستقل از هم، تاوان کار یکدیگر را بدهند؟». او پیش‌ازاین هم درباره ازدواج پسرش با مهناز افشار گفته بود: «اگر بنده یک دیکتاتور بودم، قطعاً اجازه نمی‌دادم؛ ولی در تصمیم‌گیری پسرمد دخالت نکردم». او در ادامه به فارس گفته است: «مگر یک چهره هنری مشهور و مستقل مانند سرکار خانم «مهناز افشار»، بارها به ابراز برائت از بنده وادار نشده‌اند. مگر با هر بیانی استقلال‌خودشان و همسران را از افکار و رفتار بنده اعلام نکرده‌اند؟». معاون مطبوعاتی دولت احمدی‌نژاد راست می‌گوید. مهناز افشار بعد از ازدواج با محمدياسین، پسر بزرگ رامین و حواشی آن گفته بود: «هولوکاست رسانه‌ای علیه من و همسرمد به راه انداخته‌اند که این بار سکوت نخواهیم کرد. ما حقوقی داریم و آن‌طور که بنده قاطعانه با ایدئولوژی ایشان مخالفم». مهناز افشار در یکی از شبکه‌های اجتماعی هم با اشاره به انتشار عکسی از خود روی جلد یکی از مجلات که منجر به توقیف آن شد، نوشت: «پدرشوهرم به خاطر این عکس معلوم‌الحال خطایم کرد!!».

ماجراهای یاسین

رامین‌ها خانواده عجیبی هستند. رامین پدر

رئیس‌جمهور: قوه قضائیه پیگیری کند

پول‌ها چطور بلوکه شد

صفحه ۳

وضعیت فعلی مرهون دولت سابق است



علوی تبار:

احمدی نژاد نیامده بود که بماند

ستاری فر:

روحانی رکود را در سطح حکمرانی حل کند

صفحه ۴

یادداشت

«به‌زیر کشاندن» و «بالا نشاندن»



مهرداد حجتی

است. وحدت ملی از یکپارچگی ملت حاصل می‌شود، نه دویارگی آن. با برکشیدن گروه قلیل و به زیرکشیدن گروه کثیر، رسماً بین دو بخش از جامعه فرق گذاشته شده است، این فرق گذاشتن میان دو بخش از جامعه، نفرت تولید می‌کند و نفرت نمی‌تواند عامل وحدت‌بخش در یک جامعه باشد. دولت (State) خیلی دیر؛ اما ناگزیر است روند دودستگی در جامعه را متوقف کند، روندی که سال‌هاست به تخریب روحیه عمومی کمر بسته و دست از تخریب روحیه ملی برنداشته است. بیگانه فرض کردن بخشی از جامعه به همان اندازه خطرناک است که خودی فرض کردن بخش دیگر؛ بیگانگی سبب بی‌تفاوتی بخشی از جامعه به سرنوشت کشور و دولت می‌شود و این بی‌تفاوتی همان احساس خطرناکی است که هر چند سال یکبار همه مسئولان را به تکاپو وامی‌دارد تا با تلاش فراوان آن را در نزد مردم کاهش دهد تا جامعه را به یکپارچگی و وحدت برای یک عزم ملی ترغیب کنند. به نظر می‌رسد این احساس خطر رفته‌رفته در حال تبدیل‌شدن به نگرانی عمیق و مداومی است که به طرق گوناگون در حال رخ‌نمایی است. اینکه سال‌ها گروهی خرد بی‌هیچ هراسی از عواقب اعمال خود دست به تحقیر گروهی کلان بزند و آزادانه بر نیات خود پای بفشارد، گواه عزمی برای به‌انزواکشاندن و در نهایت حذف بخشی از جامعه است. اما تاریخ چهار دهه اخیر نشان داده آن کسی که پای حراست از مرزها و کیان کشور می‌ایستد، گروه متحد یک ملت (Nation) است که در آن گروهی بر گروهی دیگر رجحان ندارد. در چنین شرایطی می‌توان با افتخار از پیدایش «دولت- ملت (Nation-State) سخن گفت. شرایطی که در آن دولت از اتحاد یک ملت استقبال و از هرگونه شکاف میان آن جلوگیری می‌کند. دولت (State) باید خود را متعلق به همه ملت بداند، نه بخشی از آن. این دولت (State) است که با توجه به بخشی از جامعه، بخش دیگری را رسماً نادیده گرفته است؛ بنابراین آنچه در این یادداشت آمده به‌منابه هشدار به مسئولان و گروه‌های مرجع است، همان‌ها که باید در چنین شرایطی هوشیار باشند و از بروز هرگونه تفرقه در جامعه جلوگیری کنند. دولت نباید اجازه دهد بخشی از جامعه بخش دیگر را طرد و منزوی کند. دولت (State) براساس قانون اساسی وظیفه دارد کشور و ملت را یکپارچه ببیند؛ اکثریتی که از سوی گروه اقلیت کم‌توجه و بی‌قید تلقی می‌شوند.

ادامه در صفحه ۲

برای درج تبلیغات خود در وبسایت روزنامه شرق با ما تماس بگیرید

دومین روزنامه پربازدید ایران در فضای مجازی

۸۸۱۹۲۸۷۷-۸۸۱۹۳۹۷۹

sharghdaily.ir

